

چگونگی شستن صورت در وضو نزد فریقین

علی قمی

مقدمه

اولین وظیفه واجب در وضو که در آیه ۶ سوره مائده نیز آمده، شستن صورت است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ (مائده: ۶)

«ای کسانی که ایمان آوردید، هرگاه اراده نماز کردید [وضو ساخته] پس صورت‌ها و دست‌های خویش را با مرفق بشوید و سر و پاهایتان را تا برآمدگی مسح کنید.»

در مورد اصل وظیفه که شستن صورت در وضو است، میان شیعه و سنی اختلاف نظر وجود ندارد و همه فرق اسلامی بر این موضوع اتفاق نظر دارند اما آنچه بین فقهای فرق اسلامی اختلاف است درباره کیفیت و محدوده شستن صورت در وضو است که در این باره از دیدگاه فریقین موضوعاتی را مطرح خواهیم کرد.

محدوده شستن صورت در وضو، از نگاه امامیه

فقهای امامیه محدوده واجب شستن صورت را از ناحیه طول، از محل رویش موی سر تا پایین چانه دانسته و از ناحیه عرض، محدوده‌ای را واجب می‌شمارند که بین انگشت ابهام و

شست قرار می گیرد:

«محدوده واجب در وضو پیرامون شستن صورت از رویشگاه موی سر است تا پایین چانه، از ناحیه طول و آنچه بین انگشت شست و میانی قرار می گیرد، از ناحیه عرض»^۱

فقههای امامیه نیز بر این فتوا و نظریه اند و مخالفی در این باب وجود ندارد. امام

خمینی علیه السلام می فرماید:

«واجب در وضو شستن صورت است... و مقصود از صورت آن است که از جهت طول بین رویشگاه موی سر و پایین چانه قرار می گیرد و از جهت عرض آنچه بین انگشت میانی و انگشت شست قرار می گیرد که این وجوب برای کسی که اعضای متناسب دارد (یعنی دست و صورت او متعادل و از نظر آفرینش طبیعی و بزرگتر و یا کوچکتر نباشد) ثابت است و کسی که این گونه نیست وظیفه مکلف مستوی الأعضاء را انجام می دهد.

اما آنچه از این محدوده خارج است، غسل و شستن آن واجب نیست.

بله، از باب مقدمه علمی (یقین به ساقط شدن تکلیف از گردن مکلف و حصول براءت ذمه) واجب است مقداری از آنچه خارج از این محدوده است نیز شسته شود تا یقین به شستن تمام حد واجب حاصل گردد.^۲

از لابلای آنچه گذشت، می توان نظرات فقهی علمای امامیه را دریافت که به طور کلی پیرامون این محدوده اتفاق نظر دارند.

۱. «حد الوجه الذي يجب غسله: فحده عندنا من قصاص شعر الرأس إلى محادر شعر الذقن طولاً، وما دخل بين الإبهام والوسطى عرضاً». (راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، قم، ۱۴۰۵ق. / ج ۱، ص ۳۴).

۲. «و المراد بالوجه، ما بين قصاص الشعر و طرف الذقن طولاً و ما دارت عليه الإبهام و الوسطى من متناسب الأعضاء عرضاً، و غيره يرجع إليه، فما خرج عن ذلك لا يجب غسله، نعم يجب غسل شيء مما خرج عن الحد المذكور مقدمه لتحصیل یقین بغسل تمام ما اشتمل عليه الحد»، امام خمینی، روح الله «تحریر الوسیله» ج ۱، ص ۲۱

استدلال امامیه بر محدودۀ واجب

دو دلیل امامیه در محدودۀ واجب صورت در وضو:

۱. سیره اهل بیت علیهم السلام

سیره و روش اهل بیت علیهم السلام در روایات بیانیه، محدودۀ واجب صورت را همان حد و اندازه‌ای دانسته‌اند که بیشتر اشاره شد:

«قَالَ زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام أَخْبَرَنِي عَنْ حَدِّ الْوَجْهِ الَّذِي يَنْبَغِي أَنْ يُوَضَّأَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - فَقَالَ: الْوَجْهُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ وَ أَمَرَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - بِغَسْلِهِ الَّذِي لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَزِيدَ عَلَيْهِ وَلَا يَنْقُصَ مِنْهُ إِنَّ زَادَ عَلَيْهِ لَمْ يُؤْجَرْ وَإِنْ نَقَصَ مِنْهُ أُنِّمَ مَا دَارَتْ عَلَيْهِ الْوُسْطَى وَ الْإِبْهَامُ مِنْ قُصَاصِ شَعْرِ الرَّأْسِ إِلَى الدَّقْنِ وَ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ الْإِضْبَعَانِ مُسْتَدِيرًا فَهُوَ مِنَ الْوَجْهِ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ الْوَجْهِ فَقَالَ لَهُ الصُّدْعُ مِنَ الْوَجْهِ فَقَالَ لَا...». (شیخ صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۴۴، ح ۸۸)

زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد محدودۀ صورت که خداوند متعال شستن آن را در وضو واجب کرده، پرسیدم. حضرت فرمودند: خداوند آن را بیان فرموده و دستور به شستنش داده است و شایسته [جایز] نیست کسی بر آن بیفزاید یا از آن بکاهد؛ چرا که اگر بر آن بیافزاید پاداشی نخواهد داشت و اگر از آن بکاهد گناه کار است.

آنچه میان انگشت میانی و ابهام قرار گرفته و از رویشگاه مو تا پایین چانه ادامه دارد و آنچه آن دو انگشت در حال دایره‌ای، آن را در برمی‌گیرد (وجه است) و شستن آن واجب و سوای آن، جزو وجه و صورت حساب نمی‌شود. زراره از امام علیه السلام می‌پرسد: آیا صدغ (= دو رگ پایین بنا گوش) جزو صورت است؟ حضرت می‌فرماید: خیر... (بستانی / رضا مهیار، ۱۳۷۵ ش. ص ۸۴)

۲. اجماع فقها

دلیل دیگر امامیه در محدودۀ واجب صورت، اجماع فقها است که شیخ طوسی چنین اجماعی را نقل کرده، می‌گوید: فقها درباره این موضوع هیچ اختلاف نظری نداشته و همه بر این مطلب توافق دارند، (طوسی، اول، قم، ۱۴۰۷ ق. / ج ۱، ص ۷۶).

علاوه بر این، با توجه به معنای وجه و صورت، می‌توان گفت که حد ثابت شده، همان محدوده‌ای است گفته شد و اگر بنا باشد افزون بر این محدوده را قائل شویم، نیازمند دلیل دیگری هستیم که آن را اثبات کند.

چگونگی شستن صورت نزد امامیه

امامیه بر این عقیده‌اند که شستن صورت باید از بالا به پایین باشد و غیر از این مجزی نبوده و جایز نیست:

مسأله: «امامیه بر این عقیده‌اند که واجب است صورت را از بالا شسته و عکس این موضوع جایز نیست.»^۱

هر چند برخی از فقها در این باره فتوای صریح نداده و گفته‌اند که وظیفه در آن نیز عمل بر طبق احتیاط واجب است، اما فتوایی که نوع شستن را، هر گونه که باشد، مجاز بدانند؛ حتی از پایین به بالا! وجود ندارد. ایشان همچنین فرموده‌اند:

مسأله: «بنابر احتیاط واجب باید شستن صورت از بالا صورت گیرد و بنابر احتیاط جایز نیست که برعکس این فعل انجام شود.»^۲

ظاهراً مستند امامیه بر این وجوب، همان وضو به شیوه اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد، (شیخ صدوق، دوّم، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰، ح ۸۴).

کیفیت شستن صورت نزد امامیه

پس از فراغت از بحث در مورد «محدوده واجب در شستن صورت» و همچنین روش این شستن، این پرسش مطرح است که این شستن چگونه باید باشد؟ و در اعضای موجود در وجه،

۱. «و ذهب الامامية إلى وجوب الابتداء في غسل الوجه من الأعلى و عدم جواز النكس»، مغنیه، محمد جواد «الفقه علی المذاهب الخمسة» ج ۱، ص ۳۶

۲. «يجب علی الأحوط أن يكون الغسل من أعلى الوجه و لا يجوز علی الأحوط أن يكون الغسل منكوساً»، امام خمینی، روح الله «تحریر الوسیله» ج ۱، ص ۲۱

چه مقدار از آن‌ها باید شسته شود؟ و یا مکلفی که به عنوان مثال دارای محاسن است، وضوی او به چه شکل مجزی است و عمل واجبش چیست؟

میان فریقین در پاسخ به این پرسش‌ها اختلاف نظر وجود دارد که در این مجال نظر امامیه را در مورد این فروع فقهی بیان می‌کنیم:

الف) شستن باطن و یا به تعبیر دیگر، داخل اعضایی که در صورت وجود دارد؛ همچون چشمان، دماغ و... واجب نیست؛ «شستن چیزی از باطن اعضایی مثل چشم و دماغ آنچه از لبان هنگام بسته بودن ظاهر است واجب نیست»^۱

هرچند توجه به این مسأله ضروری است که همانند بحث‌های گذشته از باب مقدمه علمی باید مقداری در شستن این اعضا دقت شود.

ب) رساندن آب به آنچه محاسن (ریش، موی صورت) آن را پوشانده واجب نیست؛ «رساندن آب به آنچه موی صورت آن را پوشانده واجب نبوده و ریخته شدن و جاری شدن آب بر روی موی صورت مجزی و مکفیست»^۲

در روایتی که زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند به این «عدم وجوب» تصریح شده است؛ «... قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ مَا أَحَاطَ بِهِ الشَّعْرُ؟ فَقَالَ: كُلُّ مَا أَحَاطَ بِهِ مِنَ الشَّعْرِ فَلَيْسَ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَطْلُبُوهُ وَلَا يَبْحَثُوا عَنْهُ وَ لَكِنْ يُجْرَى عَلَيْهِ الْمَاءُ».

«از امام علیه السلام درباره قسمت‌هایی از صورت که مو آن‌ها را پوشانده است، سؤال شد که حضرت فرمودند: هر آنچه مو آن را پوشانده است نیازی به درخواست رسیدن آب به آن وجود ندارد و آب بر آن (مو) جاری می‌شود. (شیخ صدوق، دوّم، بی تا، ج ۱، ص ۴۴).

ج) آن مقدار از موی محاسن که در جهت طول و عرض صورت رها شده، نیازی به شستن در محدوده واجب صورت ندارد؛ چرا که آنچه واجب است خود صورت است نه محاسن و ریشی که رها شده؛ چرا که نام وجه (= صورت) نیز بر آن اطلاق

۱. «لا يجب غسل شيء من البواطن كالعين والأنف وما لا يظهر من الشفتين بعد الإنطباق»، امام خمینی، روح الله «تحریر الوسيله» ج ۱، ص ۲۲

۲. «إيصال الماء إلى ما يستر شعر اللحية وتخليها غير واجب فيجزي في الوضوء امرار الماء على الشعر»، طوسی، محمد بن حسن «الخلافة» ج ۱، ص ۷۵

نمی شود، علاوه بر این، شستن آن نیاز به دلیل دیگری داشته و برائت ذمه مکلف آن را نمی طلبد. (طوسی، اول، قم، ۱۴۰۷ق.ج ۱، ص ۷۷)

براین اساس، آنچه جزو وجه قرار گیرد، شستش واجب است: امام خمینی رحمته الله علیه می فرمایند: «آنچه از محاسن رها شده، واجب نیست شسته شود اما آنچه از آن، در محدوده صورت قرار دارد واجب است شسته شود و آنچه واجب است همان شستن ظاهر است و تفاوتی در کمی و یا زیادی محاسن وجود ندارد، در جایی که در برگیری محاسن بر پوست صدق کند هر چند در جایی که محاسن کم باشد تخلیل (= رساندن آب به پوست) موافق با احتیاط است.»^۱

د) رساندن آب وضو در صورت، به ریشه موهای صورت، واجب نیست؛ مثل موهای ابروان، مژگان، سیل و تارهای مویی که میان لب پایین و چانه است نیازی به رساندن آب به ریشه های آن ها نیست و صرف رها شدن و رسیدن آب به آن ها کفایت می کند. (طوسی، اول، قم، ۱۴۰۷ق.ج ۱، ص ۷۸)

آنچه بیان شد تمام گفتار پیرامون دیدگاه امامیه درباره محدوده، روش و کیفیت شستن صورت در وضو بود. حال به دیدگاه عامه در این باره خواهیم پرداخت.

محدوده شستن صورت در وضو، از نگاه اهل سنت

اهل سنت درباره محدوده صورت در وضو، نظریه واحدی ندارند و هر یک از مذاهب چهارگانه، نظریه جداگانه ای داده اند:

حنفی ها

محدوده واجب صورت را از رویشگاه موی سر تا پایین چانه می دانند و گوشها را هم جزو محدوده صورت می شمارند و در استدلال بر این گفتار گفته اند: وجه را از آن جهت به این نام خوانده اند که هرگاه کسی به انسان می نگرند، با آن مواجه و مقابل می شود. (سرخسی، ۱۴۱۴ق.ج ۱، ص ۱۰).

۱. «لا یجب غسل ما استرسل من اللحية، أما ما دخل منها في حد الوجه فيجب غسله، و الواجب غسل الظاهر منه من غیر فرق بین الكثیف و الخفیف مع صدق إحاطة الشعر بالبشرة و إن كان التخلیل في الثاني أحوط». امام خمینی، روح الله «تحریر الوسيله» ج ۱، ص ۲۱

مالکی‌ها

محدوده واجب را، همانند فرق دیگر دانسته، با این تفاوت که عذار سفیدی که بین گوش‌ها و محاسن وجود دارد را جزو محدوده واجب نمی‌دانند و آن را خارج از محدوده واجب شمرده‌اند. (ابن رشد، خالد عطار، ۱۴۱۵، اول/ج ۱، ص ۱۲).

حنبلیه‌ها

محدوده واجب را همانند بقیه فرق دانسته و به خلاف مالکیه، عذار را، که تعریف آن گذشت، داخل در محدوده واجب می‌دانند (ابن قدامه، تحقیق: جماعة من العلماء، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۰).

شافعی‌ها

محدوده واجب از دیدگاه شافعی‌ها، همانند بقیه فرقه‌های عامه می‌باشد. (شافعی، بی‌تا، بی‌جا، ج ۱، ص ۲۵)

روش شستن صورت نزد عامه

پیشتر گفته شد که فقه شیعه، شستن صورت از بالا به پایین را واجب و یا احتیاط واجب شمرده است اما در بین فرق عامه اینگونه نبوده و شستن به هر صورت که انجام شود، صحیح است، هر چند گفته شده، شروع از بالا اولویت دارد. (مغنیه، دهم، ۱۴۲۱ق. / ج ۱، ص ۳۵)

چگونگی شستن صورت نزد عامه

محدوده واجب غسل وجه و همچنین روش این غسل از دیدگاه عامه را دانستیم، اکنون مطالبی را که در کیفیت این شستشو، پرسش‌ها و فروع مطرح است، و در این مسأله، میان عامه اختلاف نظرهایی وجود دارد، در قالب فروع فقهی می‌آوریم:

الف) شستن باطن و داخل اعضای صورت واجب نیست؛ به عنوان نمونه، عقیده حنفی‌ها چنین است: «در شستن صورت، داخل کردن آن در چشمان شرط نیست؛ چرا که چشم پی و چربیست و آب را نمی‌پذیرد و همچنین در این کار احراج برای متوضی وجود دارد.» (سرخسی، ۱۴۱۴ق. / ج ۱، ص ۳۵)

ب) در رساندن آب به آنچه محاسن (ریش و موی صورت) آن را پوشانده، میان عامّه اختلاف نظر وجود دارد؛ عده‌ای از ایشان همانند امامیه جاری شدن آب را بر روی محاسن کافی می‌دانند. (ابن رشد، خالد عطار، ۱۴۱۵، اول/ج ۱، ص ۱۰)

حنفی‌ها دو قول را نقل کرده اند: ۱. لازم است مکلف آب را بر محاسن جاری کند. ۲. لازم است بر یک چهارم از محاسن آب را جاری کند. (سرخسی، ۱۴۱۴ق. /ج ۱، ص ۸۰)

ج) آن مقدار از موی محاسن که در جهت طول و عرض رها شده است، نیازی به شستن ندارد. شافعی‌ها در یکی از دو قول خود این حکم را بیان کرده و با امامیه در این نظر موافق است. (خطیب شربینی، ۱۳۷۷ق. /ج ۱، ۵۲).

و حنفی‌ها نیز در این قول با شافعی‌ها و امامی‌ها همراهی می‌کنند. (سرخسی، ۱۴۱۴ق. /ج ۱، ص ۶).

د) رساندن آب وضو به ریشه موهای موجود در صورت واجب نیست؛ همانند موهای ابروان، مژگان، سیبل و...

اما شافعی‌ها این عمل را واجب می‌دانند. (کاشانی، اول. ۱۳۲۷ق. /ج ۱، ص ۳).

نگاهی به آداب وضو نزد فریقین

از آنجا که وضو یکی از با فضیلت‌ترین اعمال و مقدمه برای برخی اعمال عبادی است که خداوند متعال بدون آن، اذن ورود به آن اعمال عبادی را نداده است. به یقین علاوه بر واجبات، دارای مستحبات و آدابی خواهد بود که مکلف در صورت اتیان آن‌ها از اجر و پاداشی مضاعف بهره خواهد برد و افزون بر آن، هنگامی که مکلف وضو می‌سازد، اگر حضور قلب بیشتری داشته باشد و مستحبات را رعایت کند می‌تواند در عمل واجب بعد از وضو؛ اعم از، نماز، طواف و... که نیاز به تحصیل این مقدمه واجب دارد، به توجه بیشتر و حضور قلب بالاتری دست یابد؛ چه آنکه یکی از راه‌های دستیابی به توجه و حضور قلب بیشتر در نماز، التفات و آگاهی هنگام انجام وضو است.

با توجه به تأکید و سفارش در مورد مستحبات و آداب وضو نزد فریقین، در استحباب برخی افعال اتفاق نظر و در برخی دیگر در شدت و ضعف و وجوب و یا استحباب آن‌ها اختلاف دیدگاه وجود دارد که در زیر به این موضوع خواهیم پرداخت.

تعریف فریقین از: مستحب، مندوب، سنت و...

قبل از ورود به اصل موضوع، توجه به این نکته ضروری است که آیا میان تعریف و معنای مستحب، مندوب، مسنون و... تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ پاسخ این است که میان دیدگاه‌های مذاهب مختلف عامّه و امامیه در این باره اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی بر این باورند که همه این عبارات به یک معنی است و مترادف کلمات موجب تفاوت معنا و مصادیق نخواهد بود و مقصود از همه آن‌ها (مندوب، مستحب و...) عملی است که فاعل آن مَثاب و تارک آن غیر معاقب است و اما گروه دیگر تفاوتی در معنا قائل شده‌اند:

شافعیه

پیروان این مذهب گفته‌اند: سنت، مندوب، مستحب و... الفاظ مترادف‌اند که همه یک معنا را می‌رسانند، بدین مقصود که آن چیزی است که از مکلف خواسته شده، اگر به آن عمل مباشرت و رزید پاداش خواهد داشت و اگر ترک کرد عقاب نمی‌شود. (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق./ ج ۱، ص ۱۴۳).

مالکیه

پیروان این مذهب می‌گویند: سنت آن است که شارع آن را درخواست کرده و نسبت به آن اهتمام و رزیده است، اما وجوبی بر آن مترتب نشده و اما مندوب آن است که شارع آن را درخواست کرده، لیکن تأکیدی بر آن نداشته است.

حنفیّه

پیروان مذهب حنفیه می‌گویند: سنت به دو دسته تقسیم می‌شود: سنت موکده که در نزد ایشان همان معنای واجب را می‌دهد؛ چرا که ایشان در معنای واجب و فرض نیز تفاوت قائل شده و واجب را یک مرحله پایین‌تر از فرض می‌دانند؛ چرا که وجوبش با دلیلی متقن نبوده بلکه با شبهه و وجوب صورت گرفته است. و سنت غیر موکده همان مندوب و مستحب می‌باشد.

حنابله

این گروه معتقدند تمامی الفاظ؛ مانند مندوب، مستحب و سنت الفاضلی هستند مترادف که حامل معنای واحدند، با این تفاوت که سنت به موکده و غیر موکده تقسیم می‌شود و کسی که سنت مؤکد را ترک کند، مکروه انجام داده است.

لهامیه

پیروان مذهب اهل بیت علیهم‌السلام می‌گویند: تفاوتی میان این اصطلاحات وجود نداشته و همه به معنای واحد و آن هم تحصیل ثواب در صورت انجام می‌باشد، بلکه در نزد امامیه نیز مستحب به مؤکد و غیر مؤکد تقسیم می‌شود. (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۴۴).
با توجه به آنچه گذشت و روشن شدن معنای اصطلاحات رایج در این باب، به شرح دیدگاه فریقین در این باره می‌پردازیم:

آداب وضو از دیدگاه امامیه

بنابر آنچه بیان شد امامیه تفاوتی میان مستحب و مندوب و سنن قائل نشده و همه را در یک جریان می‌دانند، اما برای آداب وضو در کتب فقها موضوعاتی با عنوان آداب وضو بیان شده است.

آداب وضو

۱. قراردادن ظرف وضو در جانب راست
۲. برداشتن آب با دست راست
۳. ریختن آب روی دست چپ (طوسی، [بی‌نا، بی‌تا] قم، ص ۳۹).

مستحبات وضو

مستحبات وضو را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) مستحباتی که قبل از آغاز وضو انجام می‌شود و آنها عبارت‌اند از:

۱. مسواک زدن که تأکید بسیاری بر آن شده است،
۲. رو به قبله بودن متوضی در حال وضو، (مغنیه، ۱۴۲۱ق. / ج ۱، ص ۴۰)

۳. تسمیه؛ بدین معنا که نام خداوند را بر زبان جاری کند.
۴. شستن دستان تا میچ؛ یک مرتبه اگر از خواب بیدار شده و یا استنجای از بول داشته است و دو مرتبه اگر استنجای غایب بوده است.
- مضمضه؛ بدین معنا که آب را داخل دهان بچرخاند و خارج کند که مستحب است این عمل سه مرتبه انجام گیرد.
۵. استنشاق؛ بدین معنا که آب را داخل بینی کرده و خارج کند که مستحب است سه مرتبه انجام گیرد.
۶. شستشویهای مستحب را همانند شستشویهای واجب با همان روش و کیفیت انجام دهد.
۷. خواندن دعاها یا مأثور هنگام تسمیه، مضمضه، استنشاق و افعال واجب وضو (طوسی، الجمل و العقود فی العبادات، بی‌نا، بی‌تا، ص ۴۰).
- (ب) مستحباتی که مقارن اتیان واجبات وضو انجام می‌شود که عبارت‌اند از:
 ۱. شستن صورت و دستها دو مرتبه.
 ۲. مسح قسمت جلوی سر، به اندازه سر انگشت بسته.
 ۳. مسح پاها با کف دستان از سر انگشتان تا برآمدگی روی پاها.
 ۴. مردها هنگام شستن دستها آب را از پشت آرنج‌ها ریخته و خانم‌ها آب را از جلوی آرنج‌ها بریزند. (طوسی، الجمل و العقود فی العبادات، بی‌نا، بی‌تا، ص ۴۱).
 ۵. آب مقدار وضو یک مد باشد نه بیشتر؛ چراکه زاید بر این اسراف و نشانهٔ وسواس خواهد بود و مقصود از مد نزدیک به سه چهارم کیلو می‌باشد. (نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، هفتم بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۱)

آداب وضو از دیدگاه عامه

با توجه به آنچه در تعریف و تعیین مصداق مستحب، مندوب، سنت و... در فقه مذاهب اربعهٔ عامه گذشت و از آنجا که بعضاً بین این الفاظ و معانی آنها اشتراک نظر داشته و برخی دیگر معانی آنها را متفاوت می‌دانستند وظیفهٔ مکلف را نسبت به برخی از آنها متفاوت، لاجرم باید به دیدگاه هر چهار مذهب پیرامون این مستحبات و سنن اشاره شود:

حنفی‌ها

ایشان میان سنن و مستحبات، تفاوت قائل شده و سنن را به دو دسته مؤکده و غیر مؤکده تقسیم کردند که سنن مؤکده در نزد ایشان واجب و یک مرحله پایین‌تر از فرض قرار داشتند، سنن مؤکده (واجب و لازم) به شرح زیر می‌باشد:

۱. تسمیه؛ جاری ساختن نام باری تعالی که قبل از آغاز وضو لازم است.
 ۲. شستن دست‌ها تا مچ دست.
 ۳. مضمضه و استنشاق که در نزد حنفیه سنت مؤکد است و ترک کردن آن گناه.
 ۴. تخلیل؛ بدین معنا که هنگام وضو بعضی از انگشتان را داخل بعض دیگر کرده و از رسیدن آب اطمینان حاصل نماید.
 ۵. شستن سه بارهٔ اعضای وضو.
 ۶. مسح تمام سر.
 ۷. نیت؛ بدین معنا که غایت وضو را معین نماید، هرچند برخی از حنفیه آن را جزو مستحبات دانسته‌اند.
 ۸. ترتیب؛ یعنی افعال وضو را طبق ترتیب آیهٔ شریفهٔ وضو انجام دهد.
 ۹. فوریت در انجام افعال وضو، که همان موالات مصطلح است.
 ۱۰. مسواک زدن قبل از وضو. (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۴۷؛ ابن رشد، خالد عطار، ۱۴۱۵، اول / ج ۱، ص ۹)
- و اما برخی از سنت غیر مؤکده در نزد حنفیه که همان مستحبات، مندوبات، آداب وضو و... می‌باشد بدین شرح است:
۱. نشستن در مکان بلند به هنگام وضو، بدین جهت که ترشحات آب استفاده شده به متوضی اصابت نکند.
 ۲. تکرار شهادتین هنگام شستن یا مسح هر عضو وضو.
 ۳. با آبی که با نور خورشید گرم شده است وضو نسازد.
 ۴. آب مضمضه و استنشاق را در ظرفی که آب وضو در آن است نریزد.
 ۵. جابه‌جا کردن انگشتی که در انگشت است و آب به زیر آن می‌رسد و اگر آب به زیر آن نمی‌رسد جابه‌جا کردن آن واجب است.
 ۶. با دست راست برای مضمضه و استنشاق آب بردارد و... (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۵۴).

مالکی‌ها

با توجه به تعریفی که ایشان از سنت ارائه کرده و سنت را به دو قسمت مؤکده؛ به این معنا که بر آن تأکید و سفارش بسیار شده و شارع آن را از مکلف درخواست کرده، هر چند مکلف در صورت عدم اتیان معاقب نخواهد بود و چنانچه اتیان کرد اجر و پاداش خواهد داشت، برخی از این گروه عبارت‌اند از:

۱. شستن دست‌ها تا میچ قبل از وضو
 ۲. مضمضه
 ۳. استنشاق
 ۴. استنثار؛ بدین معنا که با نفس و انگشتان دست آب و مخاط‌های بینی را خارج کند.
 ۵. مسح گوش‌ها، داخل و خارجشان.
 ۶. استفاده از آب جدید برای گوش‌ها.
 ۷. ترتیب بین اعضای وضو.
 ۸. مسح سر، اگر از مسح اول در دستانش رطوبتی باقی مانده است.
 ۹. جابه‌جا کردن انگشتی که در دست دارد، اگر یقین دارد آب به آن می‌رسد. (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۴۸).
- و اما برخی از سنی که مالکی‌ها آن را مؤکد ندانسته و تحت عناوینی همچون فضایل و آداب بیان کرده‌اند:

۱. وضو گرفتن در مکان پاک و طاهر.
۲. تقدیم جانب ایمن (راست) بر ایسر (چپ).
۳. قراردادن ظرفی در باز، در سمت راست که بتواند به راحتی از آن آب بردارد.
۴. شروع از ابتدای عرفی اعضا، مثل بالای صورت و جلوی سر و...
۵. مسواک زدن قبل از وضو و... (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۴۸).

حنبلی‌ها

با توجه به تعریفی که این گروه از مستحب، سنت، مندوب و... ارائه کرده و فرقی میان آن‌ها قائل نشده‌اند، برخی از مستحبات وضو در نظر ایشان عبارت‌اند از:

۱. استقبال قبله.
۲. مسواک هنگام مضمضه.

۳. شستن دست‌ها، سه مرتبه قبل از وضو.
۴. تقدیم مضمضه و استنشاق بر صورت.
۵. انجام دادن مضمضه و استنشاق با شدت بسیار، مگر در مورد روزه دار.
۶. استفاده بسیار از آب برای صورت؛ چرا که مو در آن وجود دارد.
۷. رساندن آب به پوست برای کسی که ریش بسیار دارد.
۸. دوبار شستن اعضای وضو و... (ابن حزم، تحقیق: لجنه احياء التراث العربی، بی-تا، ج ۲، ص ۵۰)

شافی‌ها

- ایشان نیز تفاوتی میان معنای سنّت، مستحب، مندوب، فضیلت و... ندانسته و مستحبات وضو در نزد ایشان زیاد است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
۱. استعاذه، گفتن: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».
 ۲. تسمیه؛ گفتن: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».
 ۳. نیت انجام مستحبات وضو در قلب هنگام تسمیه.
 ۳. شستن دست‌ها.
 ۴. مضمحنه و استنشاق.
 ۵. خواندن دعاهای وارده، هنگام افعال وضو و... (جزیری، اول، ۱۴۱۹ق. / ج ۱، ص ۱۴۹).
- با توجه به آنچه گذشت مستحبات و آداب وضو در نزد فرق عامّه واضح گردید.

منابع فارسی

۱. الهی قمشهای، مهدی، ترجمه قرآن کریم، چاپ دوّم، الهادی - قم، ۱۳۸۰ ش.
۲. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ: دوم، انتشارات اسلامی، تهران، ایران ۱۳۷۸ ش.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ پانزدهم، مدرسه الامام امیر المومنین علیه السلام قم ۱۳۷۹ ش.
۴. موسوی خمینی، روح الله، رساله توضیح المسائل، چاپ بیستم، پیام عدالت - تهران ۱۳۸۸ ش.
۵. موسوی همدانی، محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ: پنجم، انتشارات جامعه مدرسین، قم - ایران - ۱۳۷۴ ق.
۶. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، تهران، ایران، ۱۳۷۱ ش.

منابع عربی:

۷. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد بن ابی شیبہ، المصنّف فی الاحادیث والآثار، چاپ دوّم، دارالسلفیه هند، ۱۳۹۹ ق.
۸. ابن الحمام - محمد بن عبد الوهاب، فتح القدير، دار صادر، بیروت، لبنانی [بی تا].
۹. ابن حاجب مالکی، عثمان بن عمر بن الحاجب، جامع الأمهات (مختصر ابن حاجب) تحقیق: اخضر الأخری، چاپ دوّم، ۱۴۳۱، دار الیمامه، بیروت، لبنان.
۱۰. ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد بن سعید، المحکمی، تحقیق: لجنة احیاء التراث العربی، دار الافاق الجدیده بیروت [بی تا].
۱۱. ابن حزم، احمد بن سعید بن حزم، الاحکام فی اصول الاحکام، دارالکتب العلمیه، بیروت، [بی تا].
۱۲. ابن رشد، محمد ابن احمد قرطبی اندلسی، بدایة المجتهد و نهایة المقصد، تحقیق: خالد عطار، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۵ و چاپ اول: مطبعة الأمير، ایران، ۱۳۸۹ - ق. و نرم افزار المكتبة الشاملة الكبرى، الإصدار الثاني.
۱۳. ابن عابدين - ابن عابدين حنفی، ردّ المحتار علی الدرّ المختار، احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان [بی تا].
۱۴. ابن عبد البرّ يوسف بن عبد الله بن محمد ابن عبد البرّ، فتح المالك بتبویب التمهید، تحقیق دکتر مصطفی صمیده، چاپ اول دار الکتب العملیه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. ابن عبد البرّ، يوسف بن عبد الله محمد بن عبد البرّ، التمهید، لما فی الموطأ من المعانی و الأسانید، مطبعة فضاله - المحمدیه [بی جا، بی تا].

١٦. ابن قدامه، عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه، المغنى، تحقيق، جماعة من العلماء، دارالكتب العربي، بيروت، لبنان [بى تا].
١٧. ابن كثير، ابى الفداء اسماعيل بن كثير، تفسير القرآن العظيم، دارالمعرفة، بيروت لبنان، ١٤٠٧ق.
١٨. ابن كثير، ابى الفداء اسماعيل بن كثير، سيرة النبوية، تحقيق مصطفى عبد الواحد، دارالمعرفة للطباعة والنشر و التوزيع، بيروت ١٣٩٦
١٩. ابن ماجه، محمد بن يزيد بن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمود فؤاد عبدالباقى، دارالكتب العلميه، بيروت، لبنان [بى تا].
٢٠. ابن منظور، ابى فضل جمال الدين محمد بن مكرم مصرى، لسان العرب، ادب الحوزه، قم، ١٤٠٥
٢١. ابو حيان اندلسى، محمد بن يوسف، البحر المحيط، چاپ: دوّم، دار الاحياء التراث العربى مؤسسه التاريخ العربى، بيروت - لبنان، ١٤١١ق.
٢٢. ابو هلال عسكرى، حسن بن عبد الله، الفروق اللغويه، تحقيق: مؤسسه النشر الاسلامى، انتشارات جامعه مدرسين، قم ١٤١٢
٢٣. ابو ربه، شيخ محمود، أضواء على السنة المحمدية، دار الكتب الاسلامى [بى تا] [بى جا].
٢٤. ابى داوود سجستاني، سليمان بن اشعث، سنن ابى داوود، تحقيق: محمد لحام، دارالفكر، بيروت/١٤١٠ق.
٢٥. احمد بن حنبل، مسند احمد، بيروت، [بى تا].
٢٦. انصارى، ذكريا بن محمد، فتح الوهاب، تحقيق و نشر، دارالكتب العلميه، بيروت، لبنان، ١٤١٨
٢٧. آلوسى بغدادى، ابى الفضل، شهاب الدين محمد، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، انتشارات جهان، تهران [بى تا].
٢٨. بحراني، سيد هاشم، البرهان فى تفسير القرآن، بنياد بعثت، چاپ اول، تهران، ايران، ١٤١٦ق.
٢٩. بخارى، ابى عبدالله محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، دارالفكر، بيروت ١٤١٠
٣٠. بستانى، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدى، مترجم: رضا مهيار، اسلامى، تهران ١٣٧٥
٣١. بغوى، حسين بن مسعود، معالم التنزيل فى تفسير القرآن، دار احياء التراث العربى، بيروت، لبنان، ١٤٢٠ق.
٣٢. بيهقى، ابى بكر احمد بن حسين بن على بيهقى، السنن الصغير، چاپ اول: ١٤١٠ق. [بى جا]
٣٣. بيهقى، ابى بكر احمد بن حسين بن على بيهقى، السنن الكبرى، دار المعرفة [بى تا]، بيروت، لبنان.
٣٤. جزيرى، عبد الرحمان، الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت (عليهم السلام) چاپ: اول

- بيروت، لبنان، ١٤١٩ق.
٣٥. جصاص، ابي بكر احمد بن علي، احكام القرآن، دار الكتب العربي، بيروت، لبنان [بي تا] و نرم افزار المكتبة الشاملة، الاصدار الثاني.
٣٦. جمعي از اساتيد حوزه علمي ه قم، مغني الأديب، مركز مديريت حوزه علميه قم، چاپ ششم، ١٣٧٨ش.
٣٧. جويني، عبد الملك بن عبد الله بن يوسف (امام الحرمين جويني) البرهان في اصول الفقه، تحقيق و تعليق: صلاح محمد بن عويضة، چاپ اول، دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان ١٤١٨ق.
٣٨. حرّ عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، بي تا.
٣٩. حسيني شهرستاني، سيد علي، مجلّة فكريه فصلية متخصصة، المصباح، آية الوضوء و اشكالية الدلالة بين القراءة و النحو المأثور، (٢٠٠١ م ١٤٣٢ق). العتبة الحسينية المقدسة.
٤٠. حصفكي، علاء الدين، الدر المختار شرح تنوير الابصار، دارالفكر، بيروت، ١٤١٥
٤١. حلّي، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، انتشارات جامعة مدرسين، چاپ دوم، ١٤١٠ق. قم، ايران.
٤٢. حلّي، علامه حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، مختلف الشيعة في احكام الشريعة، انتشارات جامعة مدرسين، چاپ دوم، ١٤١٢ق. قم، ايران.
٤٣. حلّي، محقق نجم الدين جعفر بن حسن، المعتبر في شرح المختصر، چاپ اول، مؤسسه سيد الشهداء، قم، ايران، ١٤٠٧ق.
٤٤. خطيب شرييني، شيخ محمد، معنى المحتاج، دار احياء التراث العربي، مؤسسه تاريخ العربي، بيروت، لبنان، ١٣٧٧ق.
٤٥. خميني، سيد روح الله موسوي، تحرير الوسيله، چاپ: اول، مؤسسه دار العلم [بي تا] قم، ايران.
٤٦. راغب اصفهاني، المفردات في غريب القرآن، [بي تا، بي جا، بي تا].
٤٧. راوندي، قطب الدين، فقه القرآن، قم، ١٤٠٥ق. چاپ دوم. كتابخانه آيت الله نجفي مرعشي.
٤٨. رشيد رضا، سيد محمد، المنار، دارالمعرفه، بيروت [بي تا].
٤٩. زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، چاپ: سوم. دار الكتب العربي، بيروت، لبنان، ١٤٧٠ق. و دار المعرفه، بيروت [بي تا].
٤٩. سرخسي، شمس الدين محمد بن احمد، المبسوط، دار المعرفه، بيروت ١٤١٤ق. و نرم افزار المكتبة الشاملة، الاصدار الثاني.
٥٠. سيوطي، جلال الدين عبد الرحمان بن ابي بكر، الدر المنثور في تفسير المأثور، دار المعرفه/ [بي جا] ١٣ ٦٥

٥١. سيوطي، جلال الدين، عبد الرحمن بن ابي بكر، الخصائص الكبرى، دارالكتب الحديث [بي جا، بي تا].
٥٢. شاشي قفال، ابي بكر محمد بن احمد، حلية العلماء في معرفة مذاهب الفقهاء، دارالباز، مكتبة الرسالة الحديثة، مكة المكرمة، [بي تا].
٥٣. شافعي، ابو عبدالله محمد بن ادريس، الأم، دار الشعب [بي تا، بي جا] و نرم افزار المكتبة الشاملة، الإصدار الثاني.
٥٤. شريف مرتضى، على بن حسين موسوي، الانتصار في انفرادات الإمامية، دفتر نشر اسلامي، چاپ اول، قم، ايران، ١٤١٥ق.
٥٥. شريف مرتضى، على بن حسين موسوي، جمل العلم والعمل [بي تا] [بي جا].
٥٦. شيخ طوسي، ابي جعفر، محمد بن حسن، الاقتصاد والهادي الى طريق الرشاد، تحقيق، شيخ سعيد خيام، قم، ايران ١٤٠٠ق.
٥٧. صنعاني، ابي بكر عبد الرزاق بن همام، المصنف، تحقيق، عبد الرحمن الأعظمي، مجلس علمي، [بي جا، بي تا]
٥٨. طباطبائي حكيم، سيد محسن، مستمسك العروة الوثقى، چاپ: اول، مؤسسة دار التفسير قم، ايران، ١٤١٦ق.
٥٩. طبرسي، امين الاسلام ابي علي فضل بن حسن، مجمع البيان، چاپ: سوم ناصر خسرو، تهران، ايران، ١٣٧٢ش.
٦٠. طبرسي، امين الاسلام، ابي علي فضل بن حسن، جوامع الجامع، چاپ: اول انتشارات: دانشگاه تهران و مديريت حوزه علميه قم، تهران، ايران، ١٣٧٧ش.
٦١. طبري ابي جعفر محمد بن جرير، تاريخ الأمم والملوك، تحقيق: نخبة من العلماء، مؤسسة الأعلمی بیروت [بي تا].
٦٢. طبري، ابي جعفر محمد بن جرير، جامع البيان، توثيق: صدقي جميل عطار دارالفكر، بيروت / ١٤١٥ق.
٦٣. طريحي، فخر الدين، مجمع البحرين، تحقيق: سيد احمد حسيني، مكتب نشر الثقافة الاسلاميه، [بي جا] ١٤٠٨ق.
٦٤. طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، الجمل والعقود في العبادات، [بي تا، بي تا] قم، ايران.
٦٥. طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، المبسوط في فقه الاماميه، چاپ: سوم المكتبة المرتضوية لاحياء الآثار الجعفريه، تهران، ايران، ١٣٨٧ق.
٦٦. طوسي، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، چاپ: اول دار الكتب

- الاسلاميه، تهران، ايران، ١٣٩٠ق.
٦٧. طوسى، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذيب الاحكام، چاپ: چهارم دار الكتب الاسلاميه، تهران، ايران، ١٤٠٧ق.
٦٨. طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، دار احياء التراث العربى، بيروت، لبنان، [بى تا].
٦٩. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، الخلاف، چاپ: اول، انتشارات جامعه مدرسين، قم، ايران، ١٤٠٧ق.
٧٠. عاملى، بهاء الدين، مشرق الشمسين، مكتبة بصيرتى، قم، ايران، ١٣٨٩
٧١. عسقلانى، احمد بن على بن حجر، تهذيب التهذيب، چاپ اول، دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان، ١٤١٥ق.
٧٢. عكبرى، ابو البقاء عبد الله بن الحسين، إملاء ما من به الرحمان، من وجوه الاعراب و القراءآت فى جميع القرآن، المطبعة الميمينه مصر، [بى تا].
٧٣. علامه حلى، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، تذكرة الفقهاء، تحقيق، گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليه السلام چاپ: اول، مؤسسه آل البيت، قم، ايران، [بى تا].
٧٤. علامه مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء چاپ دوّم بيروت، لبنان، ١٤٠٣ق.
٧٥. فخر رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين، مفاتيح الغيب (تفسير كبير)، چاپ سوّم، دار الكفر، بيروت، لبنان، ١٤٠٥ق. و چاپ سوم، دار احياء التراث العربى، بيروت، لبنان، ١٤٢٠ق.
٧٦. فقه عبادات شافعى، نرم افزار المكتبة الشاملة، الاصدار الثانى و <http://www.shamela.ws>
٧٧. فقه عبادات مالكي، نرم افزار المكتبة الشاملة، الاصدار الثانى و <http://www.shamela.ws>
٧٨. قاسمى، محمد جمال الدين، محاسن التأويل، تحقيق: عيون السود، چاپ: اول دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان، ١٤١٨ق.
٧٩. قشيرى، ابى الحسين مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، دار الفكر، بيروت [بى تا].
٨٠. قمى، شيخ صدوق، محمد بن على بن بابويه، من لا يحضره الفقيه، چاپ دوّم انتشارات جامعه مدرسين، قم، ايران.
٨١. كاتب واقدى، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، لجنة نشر ثقافه الاملايه بدار جمعيه الجهاد الاسلامى، قاهره، مصر و دار الكتب العلميه، لبنان بيروت.
٨٢. كاشانى، ابى بكر، علاء الدين بن مسعود، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، مكتبة حبيبيه

- پاکستان [بی تا] و شرکت المطبوعات العلمیه، مصر، چاپ اول. ۱۳۲۷ق. و نرم افزار المكتبة الشاملة، الإصدار الثاني.
۸۳. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تحقیق: عَفَّارِی، دار الکتب الاسلامیة (آخوندی) [بی جا] ۱۳۸۸ق.
۸۴. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ: چهارم، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ایران ۱۴۰۷ق.
۸۵. مالک، مالک بن انس اصبحی، *الموطأ*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، [بی تا].
۸۶. ماوردی، علی بن محمد بن حبیب، *الحاوی الکبیر*، تحقیق: جماعة من المحققین، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۸۷. متقی هندی، علاء الدین بن حسام الدین، *کنز العمال*، تحقیق شیخ بکری، جابنی، مؤسسه الرساله بیروت، لبنان [بی تا].
۸۸. مغنیه، محمد جواد، *الفقه علی المذاهب الخمسه*، چاپ: دهم، دار التیار الجدید، دار الجواد بیروت، لبنان ۱۴۲۱ق.
۸۹. نجفی، محمد حسن بن باقر (صاحب جواهر) *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ: هفتم بیروت، لبنان [بی تا].
۹۰. نووی، محیی الدین بن شرف، *المجموع فی شرح المهذب*، دارالفکر، بیروت، [بی تا] و نرم افزار المكتبة الشاملة، الإصدار الثاني.
۹۱. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، شرح مسلم، دارالکتب العربی، بیروت ۱۴۰۷ق.
۹۲. هیشمی، نور الدین بن ابی بکر، بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث، تحقیق: مسعد عبد الحمید محمد السعدانی، دار الطلائع [بی جا، بی تا].